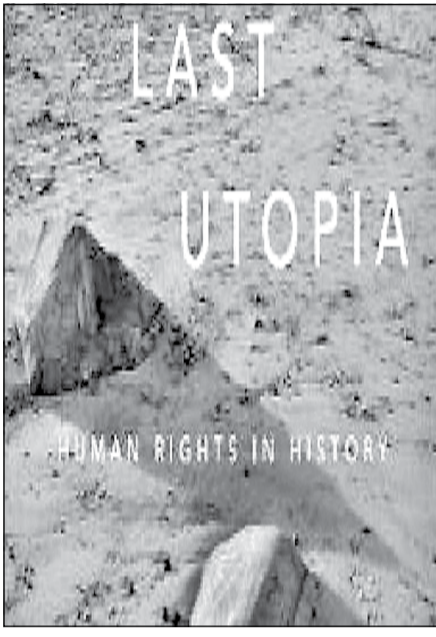


نگاهی به یک کتاب

## واپسین آرمانشهر: حقوق بشر در تاریخ

■ مهدی ذوالقدر



**اشاره:** «واپسین آرمان شهر» نام کتابی است از ساموئل موبن، استاد تاریخ دانشگاه کلمبیا که در آن نسبت به تاریخچه طرح مفهوم حقوق بشر نکات قابل تاملی را یادآور شده‌است. ترجمه-معرفی این کتاب برداشتی است از یادگاه مویسنسه ترجمان که تقدیم خوانندگان می‌گردد.

ساموئل موبن استاد تاریخ دانشگاه کلمبیا متخصص در زمینه تاریخ تحولات فکری اروپای مدرن و اندیشه‌های حقوقی است. در سال‌های اخیر، وی آثار برجسته‌ای در حوزه حقوق بشر و تاریخ پیدایش مفاهیم آن نوشته‌است. رویکرد تاریخی وی به موضوعات و مفاهیم حقوق بشری از جمله رویکرد نهی نو و بدیع در این حوزه مطالعاتی محسوب می‌گردد.

موبن در این کتاب مفهوم مدرن حقوق بشر را متمایز از مفاهیم و گفتمان «حق‌ها و استحقاقات» آرمانهای انقلابیون فرانسوی و آمریکایی می‌داند. وی معتقد است حقوق بشر فعلی نه ریشه در اندیشه‌های طرفداران مکتب حقوق طبیعی در قرن ۱۹ دارد نه پیام فجاج هولوکاست و جنگ جهانی دوم است. نویسنده معتقد است حقوق بشر فعلی حاصل تحولات دهی هفتاد آمریکا و کوششهای «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور وقت آمریکا می‌باشد که سعی نمود حقوق بشر را به عنوان یکی از ستونهای اصلی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا مطرح نماید. او معتقد است جنبش حقوق بشر به عنوان پاسخی اخلاقی و غیر سیاسی به سرخوردگی ناشی از پروژه‌های سیاسی و انقلابی(پروژه‌های ضد

## «حقوق بشر فعلی حاصل تحولات دهه‌ی هفتاد آمریکا و کوششهای «جیمی کار تر» رئیس‌جمهور وقت آمریکا می‌باشد که سعی نمود حقوق بشر را به عنوان یکی از ستونهای اصلی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا مطرح نماید.

استعماری و استقلال طلبانه دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی) پدید آمده است. موبن در این اثر آرمانشهر بین‌المللی حقوق بشری را نتیجه‌ی شکست پروژه حق بر تعیین سرنوشت می‌داند. او معتقد است این ایده که حمایت حقوقی بین‌المللی خارج از حوزه اقتدار حکومت‌ها مستقیماً به افراد تعلق می‌گیرد، پدیده‌ی نوینی است. اگرچه به نظر می‌رسد وی پیدایش دو پدیده‌ی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و حقوق مخاصمات مسلحانه (حق در جنگ) که حاصل وقایع قرن ۱۹ میلادی بوده‌اند و هر دو نیز دغدغه حمایت از افراد در محیط بین‌المللی را داشته‌اند، مورد غفلت قرار داده است. موبن استدلال می‌نماید که جنگ جهانی دوم، هولوکاست و وقایع پس‌از آن همچون تشکیک دادگاه نورنبرگ نقش کوچکی در توسعه و تدوین گفتمان حق‌ها داشته‌اند. وی شاهد مثال این مدعای خود را جرایم مورد رسیدگی در دادگاه نورنبرگ می‌داند و به درستی می‌گوید در وهله‌ی اول رهبران حزب نازی برای نسل کشی یهودیان مورد محاکمه قرار گرفتند بلکه جرایم جنگی ایشان مورد توجه قضات بین‌المللی بوده است. موبن استدلال می‌نماید گفتمان حاکمیت ملی با توسعه حقوق بشر جهانشمول رو به زوال می‌رود و وقایعی همچون بحران سوسدان و لیبی و بحنهای پیرامون مداخلهٔ بشر دوستانه شاهد این مدعااست.

نویسنده توسعه حقوق بشر فعلی را محصول دو پدیده می‌داند. یکی تلاشهای جیمی کارتر در تزریق دیپلماسی حقوق بشری به سیاست خارجی ایالات متحده در دهه‌ی هفتاد میلادی و دیگری توسعه و شکوفایی سازمانهای بین‌المللی حقوق بشری و ایجاد محاکم کفبری بین‌المللی در دهه نود میلادی. موبن پایان جنگ سرد را بسیار اثر گذارتر از اختتام استعمارگری و پیدایش جنبشهای استقلال طلبانه در توسعه‌ی حقوق بشر موجود قلمداد می‌کند و بر این اعتقاد است که حقوق بشر فعلی ریشه در وقایع دهه هفتاد میلادی به بعد دارد.

کتاب در ۵ فصل تبویب شده است. عناوین فصلهای کتاب عبارتند از:

- انسانیت قبل از حقوق بشر
- مرگ از تولد
- چرا جنبشهای ضد استعماری جنبش حقوق بشری نبودند؟
- یکبارچگی این نراز
- حقوق بین‌الملل و حقوق بشر

متن حاضر، تلخیصی است از سخنان استاد حسن روح‌پور ازغدی در همایش «بازخوانی فقهی و حقوقی نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران» که خردادماه سال گذشته در دانشسکده حقوق دانشگاه تهران بر گزار شد. او در این گفتار علاوه بر مباحث عمومی، سوالات مبنایی و مشخصی را نیز در باب فلسفه فقه مطرح کرد تا پاسخ به آن‌ها مدخلی بر فقه نظام‌ساز باشد.

### دوراهی ساختارشکنی و جمود

در عرصه نظام‌سازی، بر سر دوراهی ساختارشکنی علیه ضوابط دین و یا جمود و فقه انفعالی قرار داریم. در عرصه فقه اجتماعی و حکومتی، ما دو نوع فقهات و اجتهاد داریم؛ فقه فعال و فقه منفعل. آن چیزی که در عرصه نظام‌سازی اجتماعی و حکومتی گرفتارش هستیم و در حوزه‌های ما بحث می‌شود، به‌طور عمده فقه منفعل است، نه فقه فعال. این عقلانیت اسلامی نیست؛ فقه اسلام، جزئی از عقلانیت اسلامی است که موتور اصلی نظام‌سازی است، نه فقط مواجهه انفعالی با وضعیت موجود.

**فقه منفعل، فقه منتظر**

مشخصه فقه منفعل این است که منتظر می‌ماند تا افراد دیگری تمدن‌سازی کنند و بعد بیایند و مسئله شرعی‌اش را بپرسند. بگویند ما می‌خواهیم در عرصه بانک، سیاست، اقتصاد، حزب، زادوولد و غیره، به فلان طرح و نسخه وارداتی عمل کنیم؛ آیا جایز است یا خیر؟ مفتی هم پاسخ دهد که جایز است یا خیر؛ هرچا هم نتواند بفهدم، خیلی زود از ادله اجتهادی ماویس می‌شود، به سراغ ادله فقهاتی می‌رود و اصل عملی جاری می‌کند، والسلام!

البته سوء‌قصدی در کار نیست و این انفعال بر آن بنیست‌ای می‌شود. وقتی از قبل بر اساس ضوابط معرفت‌شناسی، کلام، اخلاق، اصول و فقه اسلامی به مسائل انسانی و اجتماعی، توجه دقیقی نکرده و ابعادش را نسنجیده باشیم، عقلانیت اسلامی و از جمله فقه سیاسی و حکومتی را نخواهیم داشت. وضعیت موجود از حوزه‌های علمیه ما چنین است: منتظر می‌مانیم تا قانون اساسی کشورهای دیگر ترجمه شود تا ببینیم که اجزایش مشروع است یا نه. اما مگر میاح بودن و حرام نبودن کافی است؟ کمشش شرعی است؛ اما محصولش یک نظام دینی منفعل و حادقانی است.

در فقه‌شناسی اجتماعی در نگاه اول متوجه نمی‌شویم وقتی یک نظام به‌ظاهر مشروع را ترجمه و اجرا می‌کنیم، پشت سرش چه مسائلی دارد؟ باید ده‌بست سال بگذرد و آثارش را در فروپاشی خانواده، آمار طلاق، تأخیر در ازدواج، گسترش بیکاری، عوض شدن مفهوم اوقات فراغت و غیره نشان دهد.

**نظام منفعل، نمره فقه منفعل**

کل نظام عقلانیت اسلامی فلج است؛ دانشگاه در مسیری کار می‌کند و حوزه در مسیر دیگر، در عرصه‌های اجتماعی نشسته‌اند تا تجربه‌های دیگران منتقل شود و طبیعی است که این تجربه‌های منقطع از مبادی و غایب، چون در منطقه‌الفرغ است، بیشتر مباح باشد و عقل منفعل هم در منطقه‌الفرغ، منفعلانه برخورد می‌کند.

تا همه عرصه‌های معرفت‌شناسی، اخلاق، کلام، عقاید و فقه فعال و درگیر نباشند، نظام‌سازی دینی منفعلانه خواهیم داشت.

نظامات متعددی چون نظام بانکی، نظام مالیاتی و غیره در این سی‌سال از شورای نگهبان گذشته‌اند و واقعا هم خلاف شرع نبوده‌اند؛ اما هرگز نمی‌توانید محصولش را یک نظام دینی بدانید.

ثانویه و اضطراب حل کنیم و بگوییم که مجبوریم و اگر نکنیم چه می‌شود! نتیجه این روند، به حکومت اضطراب‌زای اسلامی منجر می‌شود.

**غلبه فرم بر محتوا**

در روال قانون‌گذاری، گروهی از آدم‌های خوب در مجلس که تخصصی هم در قانون‌گذاری اسلامی ندارند، چیزهایی را تصویب می‌کنند. بعد شورای نگهبان این قوانین را با عنوان اصولی اولیه شرعی نگاه می‌کند؛ اگر چیز حرامی در آن نباشد، حلال است! خط قرمزهای شورای نگهبان هم بسته به اعضایش جابه‌جا می‌شود؛ البته نه در محکمات. اگر دیدند که نظام گیر می‌کند، برای حفظ مصلحت نظام و حکم ثانوی به مجمع

### اندیشه

### گفتاری از حسن رحیم پور ازغدی

# فقه منفعل، فقه فعال

**\* در عرصه فقه اجتماعی و**

**حکومتی، ما دو نوع فقهات**

**و اجتهاد داریم؛ فقه فعال**

**و فقه منفعل. آن چیزی**

**که در عرصه نظام‌سازی**

**اجتماعی و حکومتی**

**گرفتارش هستیم و در**

**حوزه‌های ما بحث می‌شود،**

**به‌طور عمده فقه منفعل**

**است، نه فقه فعال.**



در ابعاد مختلف اعمال کنیم، چه درس خارجی وجود دارد؟ تا جایی که بنده خبر دارم، سه‌چهار تا درس هستند که در مظلومیت و تنهایی وارد خیلی مسائل می‌شوند. علت این است که چون نهادسازی نشده، این کرسی‌ها وجود ندارد؛ چیزی به نام نهاد فکری ایجاد نکرده‌ایم و هر کسی جگانه‌کش خودش حرف می‌زند.

**نهج‌البلاغه‌ای که فقهی نیست!**

یک درس خارج فقه نداریم که ماده‌اش، فرمان امیرمؤمنان به مالک‌اشتر باشد. زمانی در قم بحثی داشتم که یکی از آقایان فرمودند: «مگر عهدنامه مالک‌اشتر هم فقه است! نهج‌البلاغه که همه‌اش توصیف است!» این آقایی که دارد درس خارج می‌دهد، یک‌بار نهج‌البلاغه را نخوانده است! فکر می‌کند فرمان مالک‌اشتر توصیف هوای مصر است! این‌گونه است که حقوق اساسی و فلسفه سیاست و حکومت هیچ می‌شود! آخرش هم فرمودند که کل نهج‌البلاغه مرسله است و از بیخ هم‌شاز را زدند!

**موتورهای خاموش حوزه و دانشگاه**

تتها راه خروج از اضطراب‌های تحمیلی این است که موتور عقلانیت اسلامی و نظام‌سازی روشن شود.

حوزه و دانشگاه ما در عرصه نظام‌سازی خاموش است. در عرصه مدرک دادن و فارغ‌التحصیل درست کردن، چهارموتوره کار می‌کنند! اما در عرصه نظام‌سازی، که

مسنولیت مشخص آن‌هاست، این موتور پراکنده و منفعلانه کار می‌کند. حوزه‌های ما به‌طور مشخص چه پایان‌نامه‌هایی را در عرصه نظام‌سازی تولید می‌کنند؟ در این ترتیب، فرم خودش را بر محتوا تحمیل می‌کند؛ سوار اسبی شده‌ایم که خودش هرچا دلش می‌خواهد می‌رود؛ حالا کی به مقصد می‌رسیم؟ و اصلا به کدام سمت می‌روییم؟!

«نه!» به شالوده‌شکنی و تحجر یک عده ساختارشکنی می‌کنند و یک‌باره تحت عنوان نواندیشی، مسلمات قرآنی را زیر سؤال می‌برند؛ عده‌ای هم نشسته‌اند تا مسائل یکی‌یکی مطرح شود و معمولاً دایره تحقیقشان هم فراتر از چندصد آیه و روایت نیست. برخی با معیارهای حوزوی، مجتهد مسلم هستند؛ ولی از بسیاری ضوابط آیات و روایات خبر ندارند و در جریان نیستند؛ چون با برنامه و پروژه سراغ قرآن نرفتند.

در عرصه فقه سیاسی و نظام حکومتی باید نه دچار شالوده‌شکنی شویم و نه تحجر. یعنی باید در نظام‌سازی فقهی، اجتهاد و نظریه‌پردازی داشته باشیم. این امر به‌طور حتم با موضوعات مختلف علوم اجتماعی نسبت پیدا می‌کند و فضای بسیار وسیعی برای نقد، گفت‌وگو، مناظره، نظریه‌پردازی، اجتهاد و عقل‌ورزی در چارچوب محکمات دینی در همان فقه سنتی ایجاد می‌کند.

**فقه، همه فقه است**

می‌شود به نظام‌سازی دینی رسید، به شرط آن‌که فقه، اخلاق و کلام، هر سه و در کنار هم مدنظر باشند. نظام‌سازی و عقلانیت دینی، جمع فقه، اخلاق و کلام اسلامی است. فقه هم، همه فقه است؛ امام به عنوان یک مجتهد و مرجع درجه اول می‌فرمودند که اجتهاد معهود و مصطلح در حوزه برای نظام‌سازی کافی نیست. جای کار جمعی و حلقه‌های بی‌گیر خالی است. اگر این‌گونه کار می‌شد، به آسانی به خیلی از نظامات، نظام دینی نمی‌گفتیم؛ و به آسانی هم یک نظام را غیردینی نمی‌دانستیم! ما با خیلی مسائل آسان‌گیرانه برخورد کردیم و در حقیقت برخوردمان آسان گرفتیم. فقه در خیابان‌ها و حتی دانشگاه‌ها ساخته نمی‌شود؛ مسئول اصلی آن حوزه‌های علمیه هستند.

**دریای ظرفیت‌های فقه سنتی**

در همان نظام فقهی سنتی ما، ظرفیت‌های عظیم دست‌نخورده و تقریباً بکری وجود دارد که از کنارش به راحتی عبور می‌کنیم. این ظرفیت‌ها را در دروس اصول فقه مشهود و قم، تا هفت، هشت، ده سال برای طلبه آموزش می‌دهند و مدام تکرار می‌کنند؛ اما ارتباط این‌ها با نظام‌سازی، هیچ‌گاه و در هیچ درسی مطرح نشده است. در کنار دریایی از آب شیرین، تشنه مانده‌ایم و دائم ترجمه می‌کنیم و منفعلانه می‌گوییم که مشروع است یا نه.

**فقه حسینی، فقه اموی**

باید مواظب بود به دام بازی با شریعت نغیتیم. باب حیل شرعی را هم در فقه شیعه و هم اهل‌سنت داریم؛ اما حیل‌ه به معنای چاره است، نه حقه‌بازی؛ یعنی رخصت شرعی در زمان بن‌بست، مشروط بر آن‌که هدف و وسیله، هیچ‌کدام حرام نباشد؛ نه این‌که شریعت را به ابزاری ضد خودش تبدیل کنیم.

این‌ها نشانه انعطاف و کارآمدی فقه در برون‌رفت از بن‌بست‌های ظاهری است؛ اما وقتی مقصد شریعت را ندانیم، این حیل‌ه روشی برای دور زدن دین و نسخ شریعت می‌شود.

نتیجه چنین فقهی این می‌شود که کم‌کم مبارزه از وجوب می‌افتد، اقتصاد ربوی حلال و سازش با مفاسد، جایز می‌شود و با همین فقه، بریدن سر سیدالشهدا علیه‌السلام، نه تنها جایز، بلکه واجب می‌شود؛ بنابراین دو نوع فقه داریم: فقه حسینی و فقه اموی.

**وضع موجود، جهان امروز و نقطه‌های ایده‌آل**

شورای نگهبان و مجمع تشخیص و مجلس و سایر نهادها، وظایف عملی خود را انجام می‌دهند و اگر همین کارها را هم نکنند، معلوم نیست که نظام به کجا می‌رود. باید از آن‌ها متشکر باشیم؛ اما به نقطه‌های ایده‌آل هم نگاه می‌کنیم. در شرایطی که کمونیسم و فاشیسم سقوط کرده، سرمایه‌داری به بن‌بست رسیده، در مذاهب

شورای نگهبان و مجمع تشخیص و مجلس و سایر نهادها، وظایف عملی خود را انجام می‌دهند و اگر همین کارها را هم نکنند، معلوم نیست که نظام به کجا می‌رود. باید از آن‌ها متشکر باشیم؛ اما به نقطه‌های ایده‌آل هم نگاه می‌کنیم. در شرایطی که کمونیسم و فاشیسم سقوط کرده، سرمایه‌داری به بن‌بست رسیده، در مذاهب

### \* یک درس خارج فقه نداریم که ماده‌اش در قم بحثی داشتیم

**که یکی از آقایان فرمودند: «مگر عهدنامه مالک‌اشتر هم فقه است! نهج‌البلاغه که همه‌اش توصیف است!» این آقایی که دارد درس خارج می‌دهد، یک‌بار نهج‌البلاغه را نخوانده است!**

اسلامی، اسلام‌گراها به دام وهابیت و روشن‌فکران‌شان هم به دام سکولاریسم افتاده‌اند و حدوسط متعادلی به سختی پیدا می‌شود.

تفکر اشعری اصولاً سکولارخیز است و در این تفکر و تفکر حنبلی و حنبلی، نظام‌سازی دینی چیزی شبیه محال است؛ تا به سمت وهابیت و تحجر و طالبانیسم می‌رود، یا به سمت پراگماتیسم سکولار و غرب‌گرا که غرب را دیواره به کشورهای عربی برمی‌گرداند. ما که شیعه هستیم و چنین فقه زنده و فقهی‌ای بالنده‌ای داریم، این گرفتاری‌ها را داریم؛ این‌ها نمی‌دانم که می‌خوانند! چه کنند!

**نظام‌سازی ما و جهان منتظر**

امروز روزی است که می‌توانیم نظام‌سازی کنیم و اگر الگوی بسزاییم، به سرعت جهانی می‌شود. اساتید و رؤسای دانشکده‌های علوم انسانی در بوستنی، سواد و مالزی، سه نقطه آفریقای، آفریقایی و آسیایی، از من می‌پرسیدند که شما چه متونی را در علوم انسانی تدریس می‌کنید؟ گفتیم همین ترجمه‌هایی که شما هم درس می‌دهید! می‌گفتند ما منتظریم تا متون درسی‌مان از ایران بیاید! رئیس یکی از آن دانشکده‌ها می‌گفت متون می‌دهم به معض این‌که اولین کتاب شما بیاید، کتاب‌های غربی را کنار می‌گذاریم و کتب شما را تدریس می‌کنیم...

عبارت است از «کلان‌نظام» «لبریزت‌سامانه»[ی] متشکل از مجموعه نظام‌ها و نهادهای تأمین‌کننده فرگشتگی ششون حیات آدمیان که براساس مبانی معرفتی –ارزشی اسلامی و با کاربرد منطق استنباطی حجت و روش اجرایی کارآمد، از منابع معتبر دینی برگرفته و با ظروف تاریخی، فرهنگی و اقلیمی کشور سازگار شده باشد.»

حجت‌الاسلام رشاد فقهرات سه‌گانه تعبیر پیشینهادی خود از نظریه پیشرفت اسلامی را اینگونه بیان کرد: نخست تعریف پیشینهادی ما از پیشرفت حاوی هر دو وجه فرآیندوارگی و برآیندوارگی است دوم مجموع این تعبیر تبیینی پیشینی است نه پسینی که درصدد وصف وضع موجود و بیان وضعیت محقق می‌باشند. در مجموع نمود ما این است: نظریه اسلامی پیشرفت را آن طور که می‌فهمیم و قبول داریم ارائه کنیم.

حجت‌الاسلام رشاد یادآور شد: نظریه پیشینهادی ما مبانی مشخصی دارد که شامل مبانی ماهیت‌شناختی، هویت‌شناختی، سازه‌های پیشرفت، دین‌شناختی، منبع‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی است.

وی در پایان اظهار داشت: در نهایت الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت عبارت است از نظام متشکل از مجموعه نظام‌ها و نهادهای تأمین‌کننده فرگشتگی در ششون حیات آدمیان که براساس مبانی معرفتی – ارزشی اسلامی و با کاربرد منطق استنباطی، صحبت و روش اجرایی کارآمد از منابع معتبر دینی برگرفته و با ظروف تاریخی، فرهنگی و اقلیمی کشور سازگار باشد.

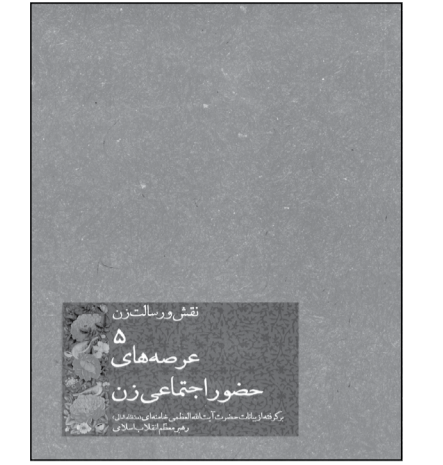


صفحه ۶  
پنج‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۳  
۱۷ شوال ۱۴۳۵ – شماره ۲۰۸۴۶

**معرفی کتاب**

### نقش و رسالت زن؛

### عرصه‌های حضور اجتماعی زن



کتاب حاضر برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب و پنجمین جلد از مجموعه نقش و رسالت زن محسوب می‌شود که توسط انتشارات انقلاب اسلامی در ۲۷۰ صفحه منتشر شده است؛ مطالب این کتاب در سه محور «جایگاه اجتماعی زن»، «تعلیم و تربیت زنان» و «نقش زن در انقلاب اسلامی» تدوین شده که با قیمت ۹۰۰۰ تومان روانه بازار نشر گردیده است. علاقمندان می‌توانند برای تهیه این کتاب با شماره تلفن ۶۶۲۸۳۹۷۵ تماس حاصل نمایند.

### به مناسبت ۱۵ شوال سالروز وفات حضرت عبدالعظیم حسنی

### زانو به زانوی امام



کتاب «شرح حدیث عرض دین حضرت عبدالعظیم حسنی» به قلم حضرت آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی که در سال‌های مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده، در چاپ اخیر خود از سوی دفتر تنظیم و نشر آثار این مرجع تقلید به چاپ رسیده است. این کتاب شرحی است بر عرض عقاید سیدالاکریم بر امام هادی که در جهت اطمینان از صحت عقاید توسط عبدالعظیم حسنی در محضر این امام بزرگوار عرضه شد. یکی از راههایی که با آن می‌توان به درستی شناخت عقاید و مطابقت آن با وحی، هدایت قرآن کریم و تعلیمات رسول اعظم (ص) و اهل بیت طاهرن این‌گاه‌شد و به اطمینان و سکون قلب بیشتر رسید، عرض دین بر بزرگان دین شناس است. در تفاسیل مسائل اعتقادی که فقط با وحی و اخبار رسول اعظم و اهل بیت قابل اثبات است و جز رجوع به مدارک صحیح از کتاب و سنت راهی برای شناخت آنها وجود ندارد، آیت‌الله صافی گلپایگانی در کتاب شرح حدیث عرض دین به این موضوع پرداخته است.

این کتاب در بخش‌های ایمان و مراتب آن، عرض دین بر بزرگان و دین‌شناسان، مسئله عرض دین در عصر حاضر، پیشینه عرض دین، عرض دین حضرت عبدالعظیم، درس‌های اخلاقی از عرض دین، شرح حدیث عرض دین و بررسی سندی متن حدیث، به تفسیر حدیث عرض دین حضرت عبدالعظیم می‌پردازد. دراین کتاب، این حدیث از دو جهت بررسی شده است؛ نخست از جهت سند حدیث و دوم از جهت لفظ و متن حدیث. حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی الفاظ حدیث را جمله به جمله به طور اختصار و ترجمه در چهارده بند معنا و تفسیر کرده است.

نویسنده در باب ضرورت عرض دین در بخش ابتدایی کتاب می‌نویسد: درکنابهایی مثل بحرالانوار، درضمن احادیث و روایات، به قدری آموزش عقاید وجود دارد که با وجود آنها از رفتن به درخانه دیگران بی‌نیاز می‌باشیم. یکی از راههایی که با آن می‌توان به درستی شناخت و عقاید و مطابقت آن با وحی، هدایت قرآن مجید و تعلیمات رسول اعظم و اهل بیت طاهرن این‌گاه شد و به اطمینان و سکون قلب بیشتر رسید، عرض دین بر بزرگان دین‌شناسان است. به خصوص در تفاسیل مسائل اعتقادی که فقط به وحی و اخبار رسول اعظم و اهل بیت قابل اثبات است و جز رجوع به مدارک صحیحه سمعی از کتاب و سنت راهی برای معرفت آنها وجود ندارد.

اهمیت آن در عصر حاضر اشاره می‌کند و می‌نویسد: در عصر ما مسئله عرض دین به دین‌شناسی در دین را از قرآن کریم و احادیث اهل بیت شناخته‌اند، مسئله‌ای است که باید همگان، به خصوص نسل جوان و دانشجویان عزیز و دانشگاهیان شتعهد متدین به آن توجه کامل داشته باشند؛ زیرا دست تحریف، تأویل، تصرف و اعمال سلیقه‌های شخصی به علل متعدد ازجمله غرب‌زدگی ازسوی معضدوی که به اصطلاح، خود را روشنفکر می‌شمارند به سوی عقاید و تعلیم دینی دراز شده و اشخاص فاقد صلاحیتهای علمی به صورت کارشناس امور دینی و طالب فرم در قالب مباحثه، میزگرد، سخنرانی، نوشتن مقاله، ارزشهای اسلام و التزامات مردم به عقاید و احکام شرعی را مورد هدف قرار داده و چنان وانمود می‌کنند که روشنفکری، عدم تعهد به مدالیل کتاب، سنت و اصطلاحات دینی و همچنین این مرجع تقلید در ادامه کتاب به پیشینه مسئله عرض دین نیز اشاره کوتاهی دارد و می‌نویسد: موضوع کسب اطمینان از مطابقت معتقدات دینی با نصوص دینی و وحی نازل بر پیغمبر اکرم و مسوروث از آن حضرت به انصه طاهرن به صورت عرض دین و عقاید با به صورت پرسش وسؤال از اصول و مبانی دین از زمان پیغمبر مطرح بوده است و افراد متعهد و با معرفت، در این مقام بوده اند تا دریافت های دینی خود را به طور مستقیم و درصورت امکان به خود آن بزرگواران عرضه بدارند و یا به علمای انصه طاهرن به نصوص شریعت احاطه دارند رجوع نمایند، مگر همین که در زمان ما اهل ایمان و دیانت کمتر به آن توجه دارند. گفتنی است، کتاب شرح حدیث عرض دین حضرت عبدالعظیم به قلم حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی از سوی دفتر تنظیم و نشر آثار، این مرجع تقلید در اندازه واقعی، شمارگان ۵۰۰۰ نسخه، ۱۲۸ صفحه به قیمت هزار و پانصد تومان روانه بازار کتاب شده است.